

## امثال فارسی افغانی در باره زبان

1

- |    |  |   |
|----|--|---|
| ۴۱ | اگر کسی آخر غذا بر سد گویند .<br>خشو - مادر شوهر - مادر زن .<br>خروس که جوان شود با مادرش جمیع<br>شود .<br>مثل هراتی است .<br>خوبی زن قیله بزن - خوبی شوی دیگ<br>( دیگ را ) بشوی .<br>یعنی بستگان زن همیشه مورد محبت<br>هستند .<br>قیله - فیلم بهترین گوشت لبه و بی -<br>استخوان - پشت مازه - راسته .<br>زدن - در افغانستان بجای خوردن و<br>زیاد خوردن بکار میروند .<br>دام آمده . | خاله، خوبیده .<br>یعنی غافل و بی قید .<br>خو-خواب .<br>خانه شاه خبرنی و خانه عروس دنگ و دول .<br>شاه = داماد - شاه داماد .<br>دنگ و دول = سرو صدا - بزن و بکوب .<br>خانه نشستن بی بی از بی چادری است<br>در ایران میگویند - محجویی ، بی بی<br>از بی چادری است .<br>حمام نرفتن بی بی از بی چادری است .<br>مستوری بی بی از بی چادری است .<br>خربوزه بخور ترا به فالیز چه کار .<br>شویم مکش و مرامکن ببیوه وزار .<br>بیهوده تحقیق در اصل چیزی کردن وقتی<br>چیزی میخواهند بخرند از اصل و منشاء<br>آن میپرسند این مثل را جواب میدهند .<br>خس کش . |
| ۴۲ | و مطالعات علم انسان  | بکولی ها که برج از بینی اطفال در میآورند .<br>زنان کولی - برای این طبقه در جاهای<br>مختلف نامهای گوناگونی است مانند :<br>کولی - جت - غربت - غربال بند -<br>کاوباز - بنچاره فیوج - قرشمال .<br>خشوبیت دوست نداشت .   |
| ۴۳ |  |   |
| ۴۴ |  |   |
| ۴۵ |  |   |

|    |   |
|----|---|
| ۴۶ | دبه در کونش بند شد .<br>يعنى عيال دارش دوستگان عيال بمنزلش راه رفت و آمد یافتند .   |
| ۴۷ | دختر را دیدم گدی بازنه که شاه قاسم تیرانداز .<br>هر گاه دختران به بازیهای پسرانه بپردازند گفته شود .  |
| ۴۸ | گدی - عروسک - لعبت .<br>دختر سبزی پالک است .  |
| ۴۹ | يعنى زود بزرگ میشود - زود رشد میکند .<br>دوايران میگويند : دختر مثل کدو است یك شب مهتاب رشد میکند .   |
| ۵۰ | پالک - اسفناج<br>دختر تخم ترتیزک است<br>در شیراز ترتیزک گویند .<br>دختر همسایه خلموک است .  |
| ۵۱ | يعنى چیزی که خیلی بمنظراًید یا در اختیار باشد بی قدر و ارزش است .<br>خلموک - مفتک - کسی که از بینی وی کثافت می آید .<br>مانند : آب که یکجا ایستاد میگردد در خانه داماد خبری نیست و خانه عروس دنگ و دول است .        |
| ۵۲ | مانند : در خانه داماد خبری نیست در خانه عروس رم کنان است .<br>در مابین زن و شوهر میانجیگری نکنید در شیراز میگویند زن و شوهر دعوا میکنند نادان باور میکند .  |
| ۵۳ | دل مادر به بچه ، از بچه در کوچه نمرد دیگر زن .  |
| ۵۴ | نظیر : پدر و مادر با ولاد دل بسته‌اند<br>و ولاد به سگ .<br>پدر و مادر عاشق بیمارند .<br>ای دل عاشق به دام تو صید .<br>ما بتومشغول و تو با عمر و زید .<br>دل مادر به بچه و دل بچه به کلچه .<br>کلچه = کلوچه .        |
| ۵۵ | دلم ز رشتة مو باف او بجان ترسید<br>چنانکه مار گزیده ز ریسمان ترسید<br>مو باف - رشتة و رشمہ و نواری است<br>که برای بافتون گیسوان دختران و زنان<br>جوان در دنباله مو گذاشته می بافند و<br>در آخرش منگوله‌ئی هم دارد . |
| ۵۶ | دنیا زاهل جود بخود ناز میکند .<br>زن بیوه نیست تایبود اندر کنار مرد .   |
| ۵۷ | زلف در مقام شانه پریشانی نداره و دختر را به سیال دادن پشیمانی .   |
| ۵۸ | سیال بمعنی شریک و همسان و قوم است .<br>زن بیل خمچه‌ئی داری .<br>يعنى خیلی طناز و رعنایت - مثل شاخ<br>شمشاد است .<br>خمچه = شاخه تازه و رعنایا .   |
| ۵۹ | زن بدکه بخانه داخل شود خیر و برکت<br>از کاج فرار میکند .<br>مثل هراتی است - در هرات سقف<br>را کاج گویند .   |
| ۶۰ | زن بلاست خداخانه را بی بلا نکند   |
| ۶۱ | زن دهقان از کی پنهان ؟  |
| ۶۲ | زن را با تیر زن - اگر مرد دیگر زن اگر<br>نمرد دیگر زن .   |

|    |  |
|----|--|
| ۶۳ | <p>زن را بزن اگر مرد دیگر زن اگر نمرد<br/>دیگر زن .</p> <p>یعنی زن را کنک بزن اگر مرد یک زن<br/>دیگر بگیر و اگر نمرد باز هم او را بزن<br/>زن سیال گرفتن سخت است و نگاه کردنش<br/>آسان .</p>  |
| ۶۴ | <p>زن ناسیال گرفتن آسان است و نگاه کردن<br/>سخت .</p> <p>مانند: زن نجیب را گرفتن مشکل است<br/>و نگاهداریش آسان .</p>   |
| ۶۵ | <p>مانند: زن نجیب را گرفتن مشکل است<br/>و نگاهداریش آسان .</p> <p>سیال - همسایه . شریک . نجیب . نگاه<br/>کردن - نگاهداری کردن سناکه داشتن .</p>  |
| ۶۶ | <p>زنش بمیرد ! در مقام نفرین گویند .</p> <p>خانه خراب شود یا خانه اش را خدا<br/>خراب کند .</p>   |
| ۶۷ | <p>زن صندوقجهه ناموس مرد است .</p> <p>سال گرم امد زنان ریش کشیدند .</p>  |
| ۶۸ | <p>یعنی نالایقان بر سر کار آمدند و مقاماتی<br/>را که صلاحیت ندارند اشغال کردند .</p> <p>ریش کشیدن - ریش در آوردن . روئیدن<br/>ریش - گرم آمدن سگرم شدن .</p>  |
| ۶۹ | <p>سرپرخون کنیزرا همه دیدند و دل پرخون<br/>بی بی راکس ندیده .</p>  |
| ۷۰ | <p>سرترقیده غلام همه می بینند دل پرخون<br/>بی بی راکس نه .</p>   |
| ۷۱ | <p>عروض جوان گفت با پیر شاه - که موی<br/>سپید است مار سیاه .</p> <p>شاهادا ماد "</p>   |
| ۷۲ | <p>شپش آزاد مليحه خانم نام دارد .</p> <p>در ایران گویند . شپش مليحه خانم</p>   |
| ۷۳ | <p>است .</p> <p>شش پیسه را بی بی شانزده پیسه کچل<br/>مانند : خرسی شاهی پالان هفده هزار<br/>و ده شاهی .</p> <p>کچل بمعنی قلم ابرو است که برای آرایش<br/>بانوان بکار میرود .</p>   |
| ۷۴ | <p>شیوه زن نوجوان اگر بپرورد - چون پیر<br/>بود همیشه دلگیر بود . آری مثل است<br/>اینکه زنان می گویند .</p> <p>در پهلوی زن تیر به از پیر بود .</p>  |
| ۷۵ | <p>گرزنی راتیر در پهلو بود</p> <p>به که اوا پیر در پهلو بود</p>  |
| ۷۶ | <p>صد دایه مهریان ببوي مادر نرسد .</p> <p>در ایران می گویند : مادر را دل سوزد<br/>دایه را دامن .</p>   |
| ۷۷ | <p>دایه مهریان تراز مادر . دایه از مادر<br/>مهریانتر را پستان می بیند .</p> <p>عروس بی بی از همه پاک تراست .</p>   |
| ۷۸ | <p>عروس شینگری ( عروس شینگری واری )</p> <p>یعنی کار آسان انجام شد و بدون سعی<br/>و کوشش رضایت طرف حاصل شد و مراد<br/>و مطلب بدست آمد .</p>   |
| ۷۹ | <p>در ایران می گویند : نه چک زدیم نه<br/>چونه ( چانه ) عروس آمد به خونه ( خانه )</p> <p>عروس کشک - ترق .</p> <p>استخوان کوچک واقع در گشت .</p> <p>نظیر : ریگ توی جو .</p> <p>پشک داخل مویز .</p> <p>مزاحم ناجور و نامتناسب .</p> <p>غرواری .</p> |
| ۸۰ |  |

|  |  |
|--|--|
| <p>فضولباشی .</p> <p>ماده پشت است .</p> <p>کسی که خیلی دختر میزاید .</p> <p>مرددو زنه دم خوش نیزنه ( نعیزند )</p> <p>معرفت سودی نبخدش شخص بی ناموس را شمع کج آخر بسوزد پرده فانوس را</p> <p>معشوق خردسال بکس رو نمیدهد</p> <p>تا غنچه نشگف بکسی بونمیدهد</p> <p>معشوق خردسال در آید بقید و ضبط</p> <p>سرمی که سر کشید زستان برآمد</p> <p>میوه شیرین تر را زاغ هامیخورند .</p> <p>مانند : خربزه شیرین نصیب کفتار است .</p> <p>( رجوع شود به پری قسمت حبسی )</p> <p>نان از نانوا میروود کون از پتیاره میسوزد .</p> <p>نه زن دنیا شدیم و نی مرد آخرت .</p> <p>در ایران میگویند : نه دختر دنیا یعنی پسر آخرت – نه دینمان معلوم است ، نه دنیایمان .</p> <p>خسروالدنیا والاخره .</p> <p>هر جا که دیدی پیر مود .</p> <p>دستش بکیر گردش بکرد .</p> <p>هر جا که دیدی پیر زن .</p> <p>دستش بکیر سوش بزن .</p> <p>هم دختر بده هم یک ستاج آرد .</p> <p>در ایران میگویند : پول دادن و چوب خوردن و دیوانه شدن .</p> <p>سناج = تاپو – خمره بزرگ و مخزن .</p> <p>پایان</p> | <p>بعنی مانند فواحش و بی غیتان .</p> <p>غم‌داری زن بکیر .</p> <p>فقط حمام زنانه است .</p> <p>اشارة بشلوغی و پرسو صدائی است .</p> <p>قربان بی‌زنی که یک نام تنها بزنی زدن معنی خوردن است .</p> <p>خانه‌ئی را که دوکد بانوست خاک تازانوست .</p> <p>کنیز کاپسلش نمی‌ارزد .</p> <p>معنی این کار بدر در شر نمی‌ارزد .</p> <p>گوهر در دهان سگ افتاده .</p> <p>در مواد دختر زیبائی که آدم بدی بکیرد گویند .</p> <p>نظیر : سیب سرخ و دست چلاق .</p> <p>در دست من میاش که حسرت برند خلق</p> <p>در دست مفلسی چو به بینند گوهه‌ری سعدی</p> <p>مرا وارد لته‌پیچیده .</p> <p>لاله‌گل انار است همه محتاج دیدار است .</p> <p>بمزاح واستهزا بمردم بد فیاهه گویند .</p> <p>لاله = لله و پرستار پیر .</p> <p>لذت دنیا زن و دندان بود .</p> <p>بی زن و دندان جهان زندان بود .</p> <p>مادر چه خبردارد که دختر چه هنردارد .</p> <p>مثل هراتی است .</p> <p>مادر آل و اری</p> <p>زن خیلی خطرناک را گویند – به زن بد شکل گویند .</p> <p>مادر الیهار خبر ببر خبر بیار .</p> <p>مانند : خبر آر و خبر ببر – با کار محله</p> |
| <p>۹۲</p> <p>۹۴</p> <p>۹۵</p> <p>۹۶</p> <p>۹۷</p> <p>۹۹</p> <p>۹۸</p> <p>۱۰۰</p> <p>۱۰۱</p>  | <p>معنی مانند فواحش و بی غیتان .</p> <p>غم‌داری زن بکیر .</p> <p>فقط حمام زنانه است .</p> <p>اشارة بشلوغی و پرسو صدائی است .</p> <p>قربان بی‌زنی که یک نام تنها بزنی زدن معنی خوردن است .</p> <p>خانه‌ئی را که دوکد بانوست خاک تازانوست .</p> <p>کنیز کاپسلش نمی‌ارزد .</p> <p>معنی این کار بدر در شر نمی‌ارزد .</p> <p>گوهر در دهان سگ افتاده .</p> <p>در مواد دختر زیبائی که آدم بدی بکیرد گویند .</p> <p>نظیر : سیب سرخ و دست چلاق .</p> <p>در دست من میاش که حسرت برند خلق</p> <p>در دست مفلسی چو به بینند گوهه‌ری سعدی</p> <p>مرا وارد لته‌پیچیده .</p> <p>لاله‌گل انار است همه محتاج دیدار است .</p> <p>بمزاح واستهزا بمردم بد فیاهه گویند .</p> <p>لاله = لله و پرستار پیر .</p> <p>لذت دنیا زن و دندان بود .</p> <p>بی زن و دندان جهان زندان بود .</p> <p>مادر چه خبردارد که دختر چه هنردارد .</p> <p>مثل هراتی است .</p> <p>مادر آل و اری</p> <p>زن خیلی خطرناک را گویند – به زن بد شکل گویند .</p> <p>مادر الیهار خبر ببر خبر بیار .</p> <p>مانند : خبر آر و خبر ببر – با کار محله</p> |
| <p>۹۳</p> <p>۹۷</p> <p>۹۹</p> <p>۱۰۰</p>   | <p>۸۱</p> <p>۸۲</p> <p>۸۳</p> <p>۸۴</p> <p>۸۵</p> <p>۸۶</p> <p>۸۷</p> <p>۸۸</p> <p>۸۹</p> <p>۹۰</p> <p>۹۱</p>  |